

ماهیت و اوصاف قرارداد بهره‌برداری از معدن

حمزه امینی‌نسب^{۱*}، عباس میرشکاری^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه قم

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تهران

(دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۲۱ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۱۲)

The Nature and Characteristics of the Exploitation Contract of Mine

Hamzeh Amininasab^{1*}, Abbas Mirshekari²

1. Ph.D. Student in Private Law, Qom University

2. Assistant Professor of Private Law, Tehran University

(Received: 11/Nov/2016

Accepted: 03/Nov/2019)

Abstract

The vast and varied mineral resources in the country and the need to exploit the mines to supply raw materials industry, production and revenue, on the one hand and the importance of environmental considerations, equitable distribution of wealth, intergenerational justice and Inhibiting theuncontrolled exploitationofmines, on the other hand, make it necessary to provide the legal framework for appropriate exploitation of mines. Therefore the legal analysis of the exploitation contract of mine as a process for the transfer of the mines is important. Furthermore, the legal effects of the contract are determined due to its nature and characteristics. In this contract, the exploitation of a certain mine within the specified time will be transferredto the applicant. There are different theories such as leasing, rewarding, leave of benefits and the usufruct in explaining the legal nature of the contract. The exploitation contract of mine is irrevocable, transferable, Formal and adhesion contract.

Keywords: Mine, Mineral Law, The Exploitation Contract of Mine, Transfer of Mine, Mining.

چکیده

وجود ذخایر معدنی عظیم و متنوع در کشور و نیاز به بهره‌برداری از معدن برای تأمین مواد اولیه صنایع، تولید و درآمدزایی از یک سو و لزوم توجه به ملاحظات زیست محیطی، توزیع عادلانه ثروت، رعایت عدالت بین نسلی و مهار بهره‌برداری بی‌رویه معدن از سوی دیگر، ارائه چارچوبی حقوقی را برای بهره‌برداری مطلوب از معدن ضروری می‌سازد. از این رو تحلیل حقوقی قرارداد بهره‌برداری از معدن به‌عنوان فرآیندی برای واگذاری معدن اهمیت می‌یابد. وانگهی، آثار حقوقی قرارداد با توجه به ماهیت و اوصاف ترسیم شده برای آن تعیین می‌گردد. قرارداد بهره‌برداری از معدن، قراردادی است که به‌موجب آن بهره‌برداری از معدنی مشخص و در مدتی معین به متقاضی بهره‌برداری واگذار می‌شود. در تبیین ماهیت این قرارداد، نظریات مختلفی چون اجاره، جعاله، اذن در انتفاع و حق انتفاع قابل طرح و بررسی خواهند بود. قرارداد بهره‌برداری از معدن، قراردادی لازم و قابل انتقال است. الحاقی و تشریفاتی بودن نیز از دیگر اوصاف آن به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: بهره‌برداری از معدن، حقوق معدن، قرارداد بهره‌برداری از معدن، معدن، واگذاری معدن.

مقدمه

معادن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تولید و زیرساخت ثروت، جایگاه مهمی در اقتصاد کشورها دارند. وجود منابع عظیم معدنی در ایران، موقعیتی بارز و تعیین‌کننده را برای این کشور در پی داشته است. کشور ما با مساحتی حدود ۳۲٪ درصد از کل مساحت زمین، دارای میلیاردها تن ذخیره معدنی متنوع است (اسلامی پناه، ۱۳۸۲: ۱۱)؛ اما علی‌رغم اهمیت معادن و سابقه طولانی ابتلای کشور به مسائل و دعاوی حوزه حقوق معادن، پژوهش‌های حقوقی چندانی در این زمینه صورت نگرفته و ادبیات حقوقی این رشته به تناسب رشد نکرده است. در حوزه معادن، فعالیت‌های مختلفی همچون اکتشاف، تجهیز، آماده‌سازی، بهره‌برداری، فرآوری مواد معدنی و... انجام می‌گیرد؛ اما بدون شک عملیات «بهره‌برداری» مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود؛ به طوری که قانونگذار ایران، فصل سوم قانون معادن را به «بهره‌برداری» اختصاص داده است. بهره‌برداری، «مجموعه عملیاتی است که به منظور استخراج، کانه‌آرایی و به دست آوردن مواد معدنی قابل فروش انجام می‌گیرد»^۱. این عملیات مهم، با انعقاد قراردادی فی‌مابین متقاضی بهره‌برداری و دولت (وزارت صنعت، معدن و تجارت) انجام می‌گیرد و به موجب آن بهره‌برداری از معدنی معین و در مدتی مشخص به بهره‌بردار واگذار می‌شود.

یکی از ابعاد مهمی که در بررسی این قرارداد وجود دارد، تعیین ماهیت حقوقی آن است. چه آنکه شناخت ماهیت یک نهاد حقوقی، نقش مهمی در تعیین شرایط و آثار آن دارد. از سویی کارآمدی اقتصادی و زیست‌محیطی بهره‌برداری از معادن، بسته به چارچوب حقوقی ترسیم شده برای آن است.

تحلیل اوصاف قرارداد بهره‌برداری از معدن نیز سهم مهمی در تبیین نقاط مبهم این قرارداد دارد. با توجه به شناخته شدن دولت به‌عنوان متولی امر معادن، نقش و دخالت آن در انعقاد قرارداد بهره‌برداری از معدن، این سؤال مطرح می‌شود که آیا دولت می‌تواند قرارداد را به صورت یک‌جانبه فسخ نموده، معدن را از بهره‌بردار پس گیرد؟ پاسخ به این سؤال که در واقع وصف لزوم یا جواز قرارداد را مشخص می‌کند، با توجه به حجم سنگین سرمایه‌گذاری در این قرارداد از اهمیت بسزایی برخوردار است. افزون بر این باید دید آیا حق بهره‌برداری از معدن قائم به شخص است یا این که بهره‌بردار می‌تواند موقعیت قراردادی

خود را به دیگری انتقال دهد؟ همچنین وصف دیگری که باید روشن شود ساده یا تشریفاتی بودن قرارداد است و مهم‌تر آنکه در صورت اخیر چه ضمانت اجرایی برای عدم رعایت این تشریفات قابل اعمال است.

برای پاسخ به مسائل فوق، این نوشتار می‌کوشد تا نظریه‌های ارائه شده در مورد ماهیت حقوقی قرارداد بهره‌برداری از معدن را ارزیابی و اوصاف آن را از نظر بگذراند.

۱. ماهیت قرارداد بهره‌برداری از معدن

در توجیه ماهیت قرارداد مذکور، نظریات مختلفی قابل طرح و بررسی است؛ اما پیش از بررسی این دیدگاه‌ها، لازم است به نظام حقوقی حاکم بر مالکیت معادن اشاره شود؛ زیرا برای انعقاد قرارداد بهره‌برداری از معدن، ابتدا باید مشخص شود که چه شخص یا مقامی حق انعقاد چنین قراردادی دارد. به این ترتیب نقش دولت در این قرارداد، اهمیت پیدا می‌کند. از طرفی، شناخت مالکیت معدن، نتایج فراوانی در تعیین و تغییر آثار قرارداد خواهد داشت. نظر به این که قوانین کشور ما متأثر از آرای فقهی است ابتدا نظرات فقها و سپس موضع قانونگذار بیان می‌شود.

در خصوص مالکیت معادن از جانب فقها، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. این نظرات را می‌توان در چهار دسته ارائه نمود:

۱- گروهی از فقها، معادن را مطلقاً جزو انفال دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۳۸/۱؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۷۸؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۴۱۹؛ حلی (علامه)، ۱۴۱۳: ۳۳۸/۳). آنان در این نظر خود بین معادن ظاهری و باطنی و همچنین معادن واقع در اراضی انفال یا معدنی که در ملک شخصی یافت شود، تفاوتی نمی‌گذارند (سبزواری، ۱۴۲۳: ۲۱۷/۱؛ آل عصفور بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۲/۴۸۰؛ نراقی، ۱۴۱۵: ۱۶۳/۱۰؛ نجفی (کاشف‌الغطاء)، ۱۴۲۲: ۲۱۴/۴؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۳۶۵؛ خمینی، ۱۳۸۵: ۲۰/۴۰۲؛ صدر، ۱۴۰۳: ۸۸؛ منتظری، ۱۴۰۹: ۴/۳؛ همان، بی‌تا: ۶۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۶: ۶۰۴).

۲- گروهی از فقها، معادن را به طور کلی، در زمره مشترکات می‌دانند که به طور یکسان به همه مردم تعلق دارد. از نظر آنان، مردم در معادن مساوی‌اند (سوره بقره: ۲۹) و هر کس به‌اندازه حاجت خود، حق برداشت از آن‌ها را دارد (حلی (محقق)، ۱۴۱۸: ۶۴/۱؛ آبی، ۱۴۱۷: ۲۷۱/۱؛ عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۲: ۳۵۲؛ عاملی (شیخ بهایی)، ۱۴۲۹: ۶۰۲). به اعتقاد آنان مقتضای اصل، اباحه استفاده از حقوق طبیعی و خدادادی است (کاشانی

۱. بند (ع) ماده ۱ قانون اصلاح قانون معادن، مصوب ۱۳۹۰

(ابن فهد)، ۱۴۰۷: ۵۶۷/۱؛ عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۰: ۲۲۹؛ همان، ۱۴۱۷: ۶۷/۳؛ نجفی (صاحب جواهر)، ۱۴۰۴: ۱۰۸/۳۸؛ صدر، ۱۴۱۷: ۴۷۱).

با ملاحظه مواضع فقها در خصوص مالکیت معادن، روشن می‌شود که بیشتر آنان قول اول را پذیرفته‌اند به گونه‌ای که می‌توان آن را اشتهر اقوال دانست (امینی نسب، ۱۳۹۴: ۱۸). اکثر ادله این قول نیز، روایاتی است که از ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) در مورد انفال، نقل شده و معادن را یکی از مصادیق آن دانسته است^۵ در این روایات، معادن مطلقاً از انفال شناخته شده و تفصیلی در باطنی و یا ظاهری بودن یا قرار گرفتن معادن در املاک خصوصی و عمومی وجود ندارد.^۶ به هر روی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در نهایت به این اختلافات فیصله داد و معادن را در زمره انفال و اموال عمومی قرار داد.^۷

در بیشتر کشورهای جهان نیز مالکیت معادن در اختیار دولت نگه داشته شده است، صرف نظر از این که در اراضی خصوصی^۸ یا عمومی باشند. (Environmental Defender's Office of Western Australia (Inc.), 2011: 3; Richer, 2013: 50) البته این مالکیت بر خلاف مالکیت خصوصی، بیشتر از جهت اعمال حاکمیت، مدیریت و اشراف دولت است تا اعمال حقوق مالکانه (امینی نسب، ۱۳۸۹: ۲۸۴) در همین راستا ماده ۲ قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰، صراحتاً اصول ۴۴ و

(فیض)، ۱۴۲۶: ۲۴/۳؛ حائری (صاحب ریاض)، ۱۴۱۸: ۲۵۷/۵). این اصل با عموماتی چون «خلق لکم ما فی الارض جمیعاً» نیز موافق است.^۱

۳- برخی از فقها مالکیت معادن را تابع مالکیت زمینی که معدن در آن قرار دارد، دانسته‌اند.^۲ (حلی (ابن ادریس)، ۱۴۱۰: ۴۹۷/۱؛ حلی (محقق)، ۱۴۰۷: ۶۳۴/۲؛ حلی (علامه)، ۱۴۲۰: ۴۴۳/۱؛ همان، ۱۴۱۲: ۵۱۲/۸). از نظر آنان معادنی که در زمین امام است جزو انفال است و معادنی که در غیر زمین امام قرار دارد، اگر زمین، متعلق به مسلمین است، معدن واقع در آن نیز متعلق به مسلمین است و اگر ملک شخصی است، برای اوست (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰: ۹۲/۷؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۱۳۴/۲؛ حکیم، ۱۴۱۶: ۶۰۳/۹، خویی، بی تا: ۶۷ و ۳۶۳؛ خمینی، بی تا: ۳۶۹/۱).

۴- سرانجام، گروهی از فقیهان بین معادن ظاهری و باطنی^۳ در این مسئله تفصیل داده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۷۴/۳؛ حلی (محقق)، ۱۴۰۸: ۲۲۲/۳؛ حلی (علامه)، ۱۴۱۳: ۲۷۱/۲). این گروه معتقدند مسلمانان در معادن ظاهری، مشترک و مساوی‌اند؛ ولی معادن باطنی، در حکم زمین‌های موات است؛ یعنی هر کس آن را احیا کند، مالک آن می‌شود و حاکم می‌تواند بهره‌برداری از آن را به صورت اقطاع واگذارد^۴ (حلی

۱. با این حال تمسک به اصل در جایی صحیح است که دلیلی بر خلاف آن نباشد (الاصل دلیلٌ حیث لا دلیل) لذا وجود ادله انفال، جایی برای استناد به اصل باقی نمی‌گذارد.

۲. «و المعادن إنما هو فیما یکون فی أرضه المختصه به، أما ما کان فی أرض المسلمین المشرکه، أو لمالک معروف، فلا اختصاص له علیه السلام به و هو قوی» (حلی (علامه)، ۱۴۲۰: ۴۳۳/۱).

۳. در رابطه با تقسیم معادن به ظاهری و باطنی، دو معیار اساسی وجود دارد: مطابق معیار اول، تفاوت معادن ظاهری و باطنی به «مکان» معدن، برمی‌گردد؛ بنابراین اگر معدن در زیر سطح زمین واقع شده باشد، باطنی است و اگر روی سطح زمین باشد، ظاهری است؛ اگرچه نیاز به پالایش و فرآوری داشته باشد و واضح است که این ملاک، از معنای لغوی کلمه «ظاهری» و «باطنی» ناشی می‌شود.

اما معیار دوم، عامل تقسیم معادن را به ظاهری و باطنی در «طبیعت و ترکیب» خود معدن می‌داند نه مکان وقوع آن. بر این اساس معادنی که نیاز به پالایش و فرآوری و انجام عملیات فنی داشته باشد، باطنی است و گرنه ظاهری محسوب می‌شود؛ اگرچه در باطن (زیر سطح) زمین واقع شده باشد (مظفر، ۱۳۹۲: ۲۴۸).

۴. المعادن الظاهرة لا تملک بالاحیاء و الناس فیها شرعاً فمن سبق الیها کان له اخذ حاجته منها و المعادن الباطنة تملک بالاحیاء و لو اقطعها الإمام صح (حلی (علامه)، ۱۳۸۸: ۴۰۳).

۵. از جمله این روایات:

– خبر داود ابن فرقد فی حدیث له عن الإمام الصادق: «قلت: و ما الأنفال؟ قال: بطون الأودية و رعوس الجبال و الآجام و المعادن و کل أرض لم یوجف علیها بخیل و لا رکاب و...»

– خبر ابی بصیر عن ابی جعفر أیضا: «قال: لنا الأنفال، قلت: و ما الأنفال؟ قال: منها المعادن و الآجام و کل أرض لا رب لها».

– موقفة إسحاق بن عماره ألتی ورد فیها قوله: «سألت أبا عبد الله عن الأنفال؟ فقال: هی القرى ألتی خربت. إلی أن قال: و کل أرض لا رب لها و المعادن منها» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵۳۱/۹).

۶. به موجب اصل ۴۵ قانون اساسی، «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند».

7. private lands.

8. crown(public) lands.

۴۵ قانون اساسی را به معنای اعمال حاکمیت دولت معنی کرده است. این اعمال حاکمیت مانع از شناسایی حقوق قانونی برای معدن کاران نمی‌شود؛ ولی اعمال حاکمیت دولت بر حق خصوصی اشخاص در موارد حفظ منافع عمومی حکومت دارد (کنعانی، ۱۳۸۹: ۲۸۷).

پس از این بررسی اجمالی در خصوص مالکیت معادن و شناخت دولت به عنوان متولی امر معدن، باید گفت که دولت، یا خود، به انجام عملیات بهره‌برداری از معدن، اقدام می‌کند و یا ممکن است در عین حفظ مالکیت عمومی معادن، بهره‌برداری آن را به دیگران واگذار نماید که در این صورت لازم است با آنان قرارداد منعقد کند. این قرارداد، همان «قرارداد بهره‌برداری از معدن» است که در سطور پیش رو، ماهیت حقوقی آن با توجه به نهادهای مختلف تحلیل می‌شود.

۱-۱. اجاره

در نوشته‌های فقهی، اجاره اشخاص یکی از قالب‌هایی است که برای قرارداد بهره‌برداری از معدن، مطرح شده است (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۳/۲۸۰؛ طرابلسی (قاضی ابن براج)، ۱۴۰۶: ۲/۳۶؛ حلی (یحیی بن سعید)، ۱۴۰۵: ۳۷۶؛ علامه حلی، ۱۳۸۸: ۴۰۴؛ همان: ۱۴۲۰: ۴/۴۹۴؛ همان: ۱۴۱۳: ۲/۲۷۳؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴: ۵۱/۷).

بر این اساس، گفته می‌شود که مالک معدن می‌تواند به منظور استخراج معدن، با دیگری قرارداد اجاره منعقد کند. بدین صورت که شخصی را اجیر کند تا عملیات بهره‌برداری را انجام دهد. در این صورت لازم است مدت اجاره یا عملی که اجیر انجام می‌دهد، مانند حفاری یک زراع مشخص از معدن، معلوم باشد^۱ (عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۷: ۳/۶۸؛ نجفی (صاحب جواهر)، ۱۴۰۴: ۳۸/۱۱۵؛ بصری بحرانی، ۱۴۰۴: ۵/۲۳۶؛ روحانی، ۱۴۱۲: ۷/۳۵۰).

قاعدتاً در نظم حقوقی نیز قابل تصور است که بهره‌بردار، شخصی را اجاره کند تا عملیات بهره‌برداری را انجام دهد؛ اما مسلماً قرارداد بهره‌برداری از معدن آن گونه که از قانون معادن بر می‌آید با اجاره اشخاص تطبیق نمی‌کند؛ چرا که بهره‌بردار اجیر دولت نیست و آنچه را که استخراج می‌کند نه به دولت،

بلکه به خود او تعلق دارد.

با توجه به این سخن، باید دید که آیا قرارداد یاد شده را می‌توان در قالب اجاره اشیا قرار داد؟ بدین معنا که دولت، معدن را به بهره‌بردار اجاره می‌دهد و در برابر آن، اجاره‌بهایی را که در قانون معادن حقوق دولتی نامیده می‌شود دریافت می‌کند. پیش از پاسخ به این پرسش، گفتنی است که در نظام حقوقی کامن لا قرارداد بهره‌برداری از معدن در قالب اجاره^۲ منعقد می‌گردد. اجاره معدن، قراردادی برای معدن‌کاری^۳ و استخراج مواد معدنی^۴ یا سایر ذخیره‌های یک معدن است که تحت شرایط خاصی مانند میزان و نوع عملیاتی که باید انجام شود، مدت بهره‌برداری و... منعقد می‌شود. این قرارداد به بهره‌بردار حق انحصاری برای استخراج مواد معدنی را در یک محدوده مشخص اعطا می‌کند.^۵ در مقابل، موجر بر مبنای میزان ماده بهره‌برداری شده، مستحق دریافت اجاره بهای قطعی^۶ یا حقوق دولتی^۷ می‌گردد.

(Davies, 2011: 25; Richer, 2013: 50; ashurst, 2013: 8; Chambers, 2005: <http://thefreedictionary.com>; <http://definitions.uslegal.com>; <http://merriam-webster.com>)

در حقوق مصر^۸ نیز از قرارداد بهره‌برداری از معدن^۹ نام برده شده و با توجه به الزام بهره‌بردار به پرداخت اجاره بها، به نظر می‌رسد قانونگذار مصر نیز، قالب اجاره را برای این قرارداد در نظر داشته است.

اما این تحلیل نسبت به ماهیت قرارداد بهره‌برداری از معدن در حقوق ایران قابل پذیرش نیست؛ زیرا عقد اجاره، مفید تملیک منافع به مستأجر است؛ در حالی که در قرارداد بهره‌برداری معدن، صرفاً حق بهره‌برداری از معدن به بهره‌بردار واگذار می‌شود و به هیچ وجه مالک منافع معدن نمی‌گردد.

2. mining lease

3. mining

4. extraction of minerals

5. a mining lease gives the holder the exclusive right to mine for minerals

6. a mining lease gives the holder the exclusive right to mine for minerals

7. royalty

۸. قانون رقم ۶۶ لسنة ۱۹۵۳ خاص بالمناجم والمحاجر، الوقائع المصرية، العدد ۱۶ مكرر في ۱۹ فبراير، سنة ۱۹۵۳.

۹. «عقد استغلال المنجم»

۱. و أما إذا استأجره لإخراج شيء من المعدن فإنه ينظر، فإن استأجره مدة معلومة صحت الإجارة، وإن كان العمل معلوماً مثل أن يقول تحفر لي كذا ذراعاً صح ذلك إذا كانت الأجرة معلومة (طوسی، ۱۳۸۷: ۳/۲۸۰).

نقدی که به اجاره تلقی نمودن قرارداد بهره‌برداری از معدن وارد شد، در اینجا نیز وارد است؛ زیرا جعاله معدن بدین معناست که عامل برای مالک به استخراج معدن بپردازد و در پایان، محصل به مالک تعلق دارد و عامل نیز مستحق اجرت خویش است. این در حالی است که در قرارداد بهره‌برداری از معدن، بهره‌بردار نه برای دولت، بلکه برای خود، عملیات بهره‌برداری را انجام می‌دهد و آنچه استخراج می‌کند به خود او تعلق دارد. ایراد دیگر این نظر آن است که جعاله بین طرفین جایز^۴ است اما از آنجا که قرارداد بهره‌برداری از معدن، قراردادی لازم محسوب می‌شود، نمی‌توان از قالب جعاله برای توجیه ماهیت آن یاری جست.

۱-۴. حق انتفاع

در نهایت، تحلیلی که می‌توان از ماهیت حقوقی قرارداد بهره‌برداری از معدن ارائه داد، «حق انتفاع» است. حق انتفاع، قالبی است که قانون‌گذار برای این قرارداد پذیرفته است. چه آنکه به موجب ماده ۹ قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰، پروانه بهره‌برداری متضمن «حق انتفاع» دارنده پروانه از ذخیره معدنی مندرج در آن می‌باشد.

بر این اساس، قرارداد بهره‌برداری از معدن نوعی «حق انتفاع است»^۵ که انتفاع از معدنی مشخص را به بهره‌بردار اعطا می‌کند و با توجه به محدود بودن مدت انتفاع، در قالب «رقبی» قرار می‌گیرد.^۶

با این حال، تحلیل قرارداد بهره‌برداری از معدن در قالب حق انتفاع، با ایرادات زیر روبه‌روست:

نخست آنکه به موجب ماده ۴۶ ق.م. «حق انتفاع ممکن است فقط نسبت به مالی برقرار شود که استفاده از آن با بقای عین ممکن باشد اعم از اینکه مال مزبور منقول باشد یا غیرمنقول و مشاع باشد یا مفروز».

۴. به موجب ماده ۵۶۵ قانون مدنی، «جعاله تعهدی است جایز.» نظر مشهور بر آن است که جعاله از عقود جایز است. به بیان دیگر این عقد برای هیچ یک از دو طرف لازم نیست و جاعل و عامل می‌توانند هرگاه که بخواهند و بدون این که نیاز به بهانه مشروع داشته باشند، آن را به هم بزنند (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۵۶؛ محمد بروجرودی عبده، ۱۳۸۰: ۳۲۲؛ محقق کرکی، ۱۴۱۰: ۱۸۹/۶؛ ابن فهد حلی، ۱۴۱۲: ۳۲۱).

۵. ماده ۴۰ قانون مدنی در تعریف حق انتفاع می‌گوید: «حق انتفاع عبارت از حقی است که به موجب آن شخص می‌تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد استفاده کند.»

۶. بر اساس ماده ۴۲ قانون مدنی، «رقبی حق انتفاعی است که از طرف مالک برای مدت معینی برقرار می‌گردد».

افزون بر این، قرارداد اجاره مخصوص اموال قابل بقا است؛ این در حالی است که ماده معدنی که در قالب قرارداد بهره‌برداری به بهره‌بردار واگذار می‌شود، مال مصرف شدنی است. با توجه به این نکته پذیرفتن قرارداد بهره‌برداری به عنوان اجاره اشیاء دشوار است.

۱-۲. اذن در انتفاع

ممکن است در تحلیل ماهیت قرارداد بهره‌برداری از معدن، گفته شود، قراردادی است که به موجب آن، به بهره‌بردار اذن در انتفاع از معدن داده می‌شود.

اما این تحلیل با این ایراد روبه‌روست که عقد متضمن اذن در انتفاع، عقدی جایز است و مالک هر زمان می‌تواند از آن رجوع کند.^۲ در واقع اذن در انتفاع تابع اراده مالک است و او ملزم نیست که بر سر اذن خود باقی بماند.

از طرفی، اذن در انتفاع برای مالک تکلیفی ایجاد نمی‌کند و تعهدی برای فراهم ساختن وسایل انتفاع طرف ندارد؛ بلکه اثر اذن او تنها مباح ساختن تصرف مأذون است؛ به عبارت دیگر اثر اذن، ایجاد اباحه است نه ایجاد تکلیف و التزام و به همین دلیل هر لحظه از طرف مالک قابل رجوع است.

این در حالی است که اولاً؛ قرارداد بهره‌داری از معدن همان طور که در اوصاف آن خواهد آمد، قراردادی لازم است و دولت نمی‌تواند یک‌جانبه از آن رجوع کند. ثانیاً تعهدات قرارداد تنها متوجه بهره‌بردار نیست؛ بلکه برای دولت نیز تعهداتی به دنبال دارد.

۱-۳. جعاله

نظر دیگری که در باب ماهیت قرارداد بهره‌برداری از معدن ابراز شده، این است که این قرارداد تحت قالب عقد جعاله درآید (بوعالم، ۱۳۸۹: ۳۰؛ امانی، ۱۳۸۹: ۱۳۷). برخی فقها نیز استفاده از قرارداد جعاله را نیز برای استخراج معدن ممکن می‌دانند.^۳

۱. «برای صحت اجاره باید انتفاع از عین مستأجره با بقای اصل آن ممکن باشد»، ماده ۴۷۱ قانون مدنی

۲. مواد ۱۰۸، ۱۲۰ و ۶۳۸ قانون مدنی

۳. در این میان گروهی معتقدند که در جعاله باید اجرت معلوم باشد و برای همین نمی‌توان اجرت را بخشی از مواد مستخرجه قرار داد (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۲۷۱/۲). در مقابل، گروه دیگری از فقها معلوم بودن عوض در جعاله را ضروری نمی‌دانند؛ بنابراین از نظر آنان در صورتی که عوض جعاله بخشی از حاصل استخراج باشد، محتمل است که جعاله صحیح باشد؛ زیرا جهالتی که در جعاله مانع از تسلیم عوض نشود، منجر به بطلان عقد نخواهد شد (عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۷: ۶۸/۳؛ نجفی (صاحب جواهر)، ۱۴۰۴: ۱۴۵/۳۸).

به عبارتی واگذاری حق انتفاع تنها در خصوص اموال «قابل بقاء» امکان‌پذیر است.

ممکن است گفته شود که در استنباط از اموال قابل بقاء باید تجدیدنظر کرد. «بی‌گمان غالب اموال قابل بقاء نیز در اثر استعمال مکرر فرسوده می‌شود و قابلیت انتفاع را از دست می‌دهد؛ ولی امکان بهره‌برداری مکرر و طولانی از آن‌ها این گونه اموال را از دسته نخست ممتاز می‌کند» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۴۴)؛ بنابراین در مقام تعیین ماهیت معدن باید گفت که هرچند معدن نیز با استفاده مکرر ذخیره خود را از دست داده و دیگر به‌عنوان معدن شناخته نمی‌شود اما چون امکان بهره‌برداری مکرر را دارد باید همچنان آن را مال قابل بقاء و واگذاری حق انتفاع آن را صحیح دانست. (شهسوار و میرشکاری، ۱۳۸۹: ۸۵)

اما به نظر می‌رسد معدن را باید جزو اموال مصرف‌شدنی و غیرقابل بقاء محسوب کرد؛ زیرا با بهره‌برداری از معدن، ذخیره معدن به اتمام رسیده و با اتمام ذخیره نیز عمر معدن تمام شده محسوب می‌شود؛ بنابراین به نظر نمی‌رسد تحلیل بهره‌برداری به‌عنوان حق انتفاع (آن‌گونه که قانون مدنی آن را می‌شناساند) صحیح باشد.

دوم؛ قانون معادن با اعطای حق انتفاع معادن در تعارض با قانون اساسی گام برداشته است؛ چرا که همان‌طور که دیدیم، به‌موجب قانون اساسی، معادن جزو اموال عمومی و متعلق به همه اتباع کشور بوده و بهره‌برداری از آن‌ها باید بر اساس عدالت و توزیع عادلانه منابع ثروت صورت پذیرد؛ اما واگذاری بهره‌برداری معادن به بهره‌بردار خاص، موجب ایجاد امتیاز انحصاری برای شخص یا اشخاصی خاص و محروم شدن دیگران از این اموال عمومی می‌گردد. این امر به همان اندازه ناگوار است که اعطای امتیاز معادن به بیگانگان در حکومت‌های پیشین ناگوار بود.

سوم؛ با توجه به محدود بودن مدت پروانه بهره‌برداری، بهره‌بردار حداکثر تلاش خود را برای استفاده از این حق اختصاصی می‌نماید! امری که جز استخراج بی‌رویه معدن، خام‌فروشی و از همه مهم‌تر تخریب روزافزون محیط زیست نتیجه‌ای به دنبال ندارد.

از مباحث فوق روشن می‌شود که قرارداد بهره‌برداری از معدن تفاوت‌های اساسی با نهادهای حقوقی مطرح شده دارد که بدان ماهیت حقوقی خاص می‌بخشد؛ بنابراین با رد هرگونه قالب عقود معین، باید بر آن بود، قرارداد بهره‌برداری از معدن ماهیتی مستقل دارد که شرایط و آثار این قرارداد در قانون

معادن و آیین‌نامه‌های اجرائی آن ذکر بیان شده است (امینی نسب، ۱۳۹۴: ۲۹).

۲. اوصاف قرارداد بهره‌برداری از معدن

قرارداد بهره‌برداری از معدن، قراردادی لازم، قابل تمدید و قابل انتقال است. الحاقی و تشریفاتی بودن نیز، از اوصاف دیگر این قرارداد به شمار می‌رود.

۱-۲. قرارداد الحاقی

قرارداد الحاقی قرارداد نمونه‌ای است که به‌وسیله یکی از دو طرف، تنظیم شده و طرف دیگر بدان ملحق می‌شود، بدون اینکه امکان تغییر یا گفت‌وگو درباره شرایط قرارداد را داشته باشد. نمونه‌های فراوان قرارداد الحاقی را می‌توان در پیمان‌های کار در مؤسسه‌های بازرگانی و صنعتی بزرگ، استفاده از امتیاز آب و برق و تلفن، مسافرت و حمل و نقل زمینی، دریایی و هوایی، خرید از فروشگاه‌های بزرگ، استخدام کشوری و موارد دیگر مشاهده کرد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۳۳).

قراردادهای الحاقی دارای ویژگی‌هایی هستند که به‌واسطه آنها از سایر قراردادها تمییز داده می‌شوند. از جمله این ویژگی‌ها داشتن قدرت برتر اقتصادی و انحصاری، ضروری بودن متعلق قرارداد و کتبی بودن را می‌توان برشمرد (شیروی، ۱۳۷۸: ۷۰).

بر اساس آنچه گفته شد قرارداد بهره‌برداری از معدن نیز نمونه‌ای از یک قرارداد الحاقی است بوده و با تعریف و ویژگی‌های این قراردادها مطابقت می‌کند؛ چرا که شرایط و احکام این قرارداد توسط یک طرف (دولت) مقرر می‌شود و بهره‌بردار، بدون اینکه امکان مناقشه داشته باشد بدان ملحق می‌شود. از سویی، یک طرف قرارداد یعنی دولت از موقعیت برتر اقتصادی و حاکمیتی برخوردار است. افزون بر این، شروط و مفاد قرارداد به‌صورت فرم نمونه و در قالب پروانه بهره‌برداری ارائه می‌شود.

تأکید بر این وصف بدان جهت است که نقش دولت در اعطای پروانه بهره‌برداری، وصف قراردادی آن را زایل نمی‌سازد؛ زیرا به اعتقاد اکثر حقوق‌دانان، قرارداد الحاقی مانند سایر قراردادها، از عقود محسوب می‌شود و امکان مناقشه و آزادی کامل طرفین و همچنین توازن و تساوی آن‌ها از لحاظ اقتصادی، از شرایط تحقق عقود نمی‌باشد؛ بلکه صرف توافق دو انشاء که در آن رضایت معاملی وجود داشته باشد، کافی است و منبع الزام‌کننده و مبنای حقوقی این قراردادها نیز همین توافق

ممکن است به تبصره (ت) ماده ۵۴ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن مصوب ۱۳۹۲، استناد شود. در این تبصره از انصراف بهره‌بردار سخن گفته شده است. به موجب این ماده و تبصره آن، از جمله مواردی که معدن از ید بهره‌بردار منتزع می‌شود، انصراف بهره‌بردار است. امکان انصراف بهره‌بردار خود نشانگر جایز بودن قرارداد از جانب اوست.

اما حقیقت این است که این ماده در مقام بیان مواردی است که معدن از ید بهره‌بردار منتزع می‌شود؛ اما از انصراف بهره‌بردار نمی‌توان جایز بودن قرارداد بهره‌بردار را استنباط نمود. این انصراف به این معناست که بهره‌بردار از حقوق خود نسبت به بهره‌برداری گذشت می‌کند که در هر عقدی حتی عقود لازم نیز این گونه است. از طرفی، بر اساس تبصره ۲ ماده ۵۴ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن، انصراف بهره‌بردار باید به تشخیص وزارت صنعت، معدن و تجارت پذیرفته شود و این خود نشان می‌دهد که انصراف بهره‌بردار، فسخ یک جانبه نیست؛ بلکه منوط به موافقت وزارت صنعت، معدن و تجارت (اقاله) است.

۲-۳. قرارداد تشریفات

اگر عقدی گذشته از شرایط اساسی مذکور در ماده ۱۹۰ قانون مدنی، تشریفات شکلی خاصی را لازم داشته باشد، آن عقد را تشریفات می‌گویند. این قبیل عقود، بدون تشریفات، اعتبار قانونی ندارند (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۴۹؛ بهرامی احمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

قرارداد بهره‌برداری را نیز باید از مصادیق قراردادهای تشریفات دانست. در واقع، قانون‌گذار برای آنکه از حفظ و تأمین مصالح عمومی جامعه مطمئن شود لازم می‌داند تا در واگذاری معادن، تشریفات ویژه‌ای رعایت شود؛ چنانکه در ماده موجب ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون معادن مصوب ۱۳۹۰ چنین آمده است: «بهره‌برداران از ذخایر معدنی بلامعارض به‌استثناء کاشفان فقط در مهلت مقرر در ماده (۷) از طریق مزایده... انتخاب می‌گردند». اهمیت رعایت مزایده به‌عنوان تشریفات انجام معامله و ارتباط آن با نظم عمومی جامعه و حفظ مصالح کلان تا آنجاست که باید گفت در صورت عدم برگزاری مزایده، معامله‌ای واقع نشده است. (انصاری، ۱۳۸۷: ۱۶۶؛ طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۹۰، ۳۶۷؛ امامی و استوار سنگری، ۱۳۹۱، ۱۶۵/۲).

و رضایت طرفین است (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۱؛ قافی، ۱۳۸۳: ۶۹).

۲-۲. قرارداد لازم

در قرارداد بهره‌برداری از معدن، یکی از مواردی که در پروانه درج می‌شود، مدت بهره‌برداری از معدن است. حال، آیا قرارداد در طول این مدت لازم است و هیچ یک از طرفین حق رجوع از آن را ندارند؟ آیا دولت می‌تواند به‌طور یک‌جانبه قرارداد را فسخ کرده و معدن را از بهره‌بردار باز پس گیرد؟

بنا به دلایل ذیل باید بر آن بود که قرارداد بهره‌برداری از معدن، لازم است:

نخست؛ قانونگذار در هیچ از مواد قانون معادن، از جواز قرارداد سخن نگفته است. در این صورت اصل لزوم حاکم است.^۱

دوم؛ لازم بودن قرارداد از طرف وزارت، از ماده ۱۰ قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۲۰ نیز قابل استنباط است. به موجب ماده مذکور، «دستگاه‌های دولتی تنها در صورت «وجود مجوز قانونی یا تصریح در قرارداد» می‌توانند قراردادهای، تعهدات، توافقات، واگذاری‌ها، مجوزها و پروانه‌های قانونی صادر شده را لغو کنند یا تغییر دهند. در غیر این صورت اقدامات فوق مستلزم جلب رضایت اشخاص ذی‌نفع می‌باشد.»

بنابراین دولت تنها در صورتی می‌تواند قرارداد مورد بحث را فسخ کند که این امر در خود قرارداد پیش بینی شود یا این که دولت بر اساس قانون چنین حقی داشته باشد. تصریح در قرارداد تابع شرایط قرارداد است؛ اما موارد قانونی را باید در قانون معادن و آیین‌نامه آن یافت.^۲

با این حال، در خصوص جواز قرارداد از طرف بهره‌بردار،

۱. به موجب ماده ۲۱۹ قانون مدنی، «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد، بین متعاملین و قائم مقام آن‌ها لازم‌الاجتماع است، مگر این که به رضای طرفین اقاله و یا به علت قانونی فسخ شود.»

۲. ماده ۵۵ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن، مواردی که موجب سلب صلاحیت بهره‌بردار و در نتیجه انتزاع معدن از ید او می‌گردد را چنین بر می‌شمارد: ۱- عدم رعایت مفاد قانون، این آیین‌نامه و دستورالعمل‌های صادره از سوی وزارت؛ ۲- تضییع و تخریب ذخایر معدنی به تشخیص وزارت؛ ۳- عدم رعایت آیین‌نامه ایمنی معادن؛ ۴- عدم بهره‌برداری و استخراج سالانه به مقدار تعیین نشده در طرح مصوب با رعایت مفاد این آیین‌نامه؛ ۵- عدم پرداخت حقوق دولتی در مهلت مقرر؛ ۶- عدم انجام سایر تعهدات ذکر شده در متن مجوز صادره.

نایی، ۱۳۸۸: ۲۵).

در قرارداد بهره‌برداری از معدن نیز بهره‌بردار به هنگام انتقال پروانه این موقعیت قراردادی را که مجموعه‌ای از حقوق و تعهدات است به منتقل‌الیه منتقل می‌کند و خود از رابطه قراردادی حذف می‌شود. از این پس منتقل‌الیه قائم مقام اوست و از حقوق و تکالیف او برخوردار می‌شود. بهره‌بردار نخست نیز که تاکنون طرف قرارداد بوده، به شخص ثالث تبدیل می‌شود.

برای انتقال قرارداد، رضایت طرف قرارداد لازم است؛ چه یکی از تبعات اصل آزادی قراردادی، آزادی انتخاب طرف قرارداد می‌باشد. طرف اصلی قرارداد با اختیار، فردی را به‌عنوان طرف معامله با خود انتخاب کرده است؛ بنابراین تغییر این فرد نیز باید همراه به رضایت وی باشد. برخی از متون قانونی نیز همین برداشت را تقویت می‌کند. برای مثال ماده ۵۴۱ ق.م. در مزارعه، ماده ۵۴۵ در مساقات و ماده ۵۵۴ در مضاربه از مواردی است که در آن قانونگذار به لزوم رضایت اشاره دارد. (همان: ۲۴) برای همین، ماده ۴۷ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن، تأکید می‌کند که انتقال پروانه بهره‌برداری منوط به موافقت وزارت صنعت، معدن و تجارت می‌باشد؛ بنابراین هرگونه انتقالی بدون موافقت مرجع مذکور انجام شود از نظر این نهاد فاقد اعتبار است و انتقال دهنده در مقابل مقام مذکور مسئول خواهد بود.

لزوم موافقت نهاد مربوطه در سایر کشورها نیز دیده می‌شود. چنانکه در کانادا انتقال قرارداد با موافقت وزارت خانه مربوطه امکان پذیر است. به‌جز استان بریتیش کلمبیا که نیازی به موافقت وزارتخانه ندارد (Davies, 2011: 35) همچنین در مصر، به‌موجب ماده ۱۵ قانون معادن این کشور، انتقال پروانه به غیر، حسب مورد با تأیید وزیر مربوطه یا استاندار امکان پذیر است.^۲

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت بخش معدن، پرداختن به قراردادهای مناسب این بخش ضرورت دارد. در حوزه معادن فعالیت‌های مختلفی صورت می‌گیرد؛ اما بدون شک «بهره‌برداری» مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود. انجام عملیات بهره‌برداری با انعقاد قراردادی بین دولت و متقاضی بهره‌برداری صورت می‌پذیرد. از بررسی و

رویه قضایی نیز با این باور همراه است. چنانکه در رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری^۱ چنین مقرر شد: «به‌صراحت ماده ۷۹ قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ کلیه معاملات وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اعم از خرید و فروش و اجاره و استجاره و پیمانکاری و اجرت کار و غیره جز در موارد مستثنا شده در قانون حسب مورد باید از طریق مناقصه یا مزایده و با رعایت تشریفات و شرایط قانونی مربوط انجام شود. نظر به اینکه واگذاری معدن سرب و روی انگوران واقع در ۱۲۷ کیلومتری غرب شهرستان زنجان به‌منظور استخراج و بهره‌برداری از ماده معدنی سرب و روی آن از نوع معاملات عمده دولتی موضوع بند (ج) ماده ۸۰ قانون مزبور بوده و به همین جهت بر اساس بند (ج) ماده ۸۲ آن قانون ضرورت واگذاری معدن فوق‌الذکر از طریق مزایده و با انتشار آگهی تسجیل و تثبیت و اعلام شده و عدول از مقررات و ضوابط مذکور و واگذاری معدن فوق‌الاشعار با شرایطی که متضمن قطع و یقین در رعایت صرفه و صلاح دولت و بیت‌المال نبوده، وجاهت قانونی نداشته است، مصوبه مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۲۶ شورای اقتصاد مشعر بر واگذاری معدن مزبور از طریق ترک تشریفات مزایده خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شورای مزبور تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد».

۲-۴. قرارداد قابل انتقال

در انتقال قرارداد، یکی از دو طرف، وضع حقوقی خود را اعم از حقوق و تعهدهای ناشی از قرارداد به دیگری انتقال می‌دهد و او را در این خصوص، قائم مقام خود می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۲۹۲/۳؛ مقدم، ۱۳۸۶: ۲۲۹)؛ در نتیجه انتقال قرارداد، یکی از طرفین عقد-که آن را طرف اصلی قرارداد می‌نامیم- ثابت باقی می‌ماند؛ اما شخص ثالثی جانشین طرف دیگر عقد می‌شود. مهم‌ترین اثر انتقال قرارداد نیز فی‌الواقع همین است که انتقال‌دهنده از رابطه حقوقی کنار رفته و انتقال‌گیرنده (منتقل‌الیه)، قائم مقام خاص او در عقد از حیث کلیه حقوق و تعهدات می‌گردد؛ از طرف دیگر، با کنار رفتن انتقال‌دهنده، وی در خصوص کلیه تعهداتی که به عهده گرفته بود بری شده و همچنین دیگر از هیچ حقی برخوردار نمی‌گردد. (میرشکاری و

۱. رأی شماره ۳۶۸/۸۱ پرونده کلاسه ۸۰/۲۵۱ به تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۵.

۲. قانون الثروة المعدنية رقم ۱۹۸ سنة ۲۰۱۴.

- مدرسین حوزه علمیه.
- اسلامی پناه، علی (۱۳۸۲). «تعهدات آگاهانه در قراردادهای واگذاری معادن». مجله پژوهش‌های حقوقی. شماره ۲. صص ۳۳-۱۱.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). کتاب *الخمس*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- امامی، محمد؛ استوار سنگری، کورش (۱۳۹۱). *حقوق اداری*. جلد ۲. تهران: نشر میزان.
- امانی، مسعود (۱۳۸۹). *حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- امینی نسب، حمزه (۱۳۹۴). «ماهیت، شرایط و آثار قرارداد بهره‌برداری از معدن». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- انصاری، ولی‌الله (۱۳۸۷). *حقوق قراردادهای اداری*. تهران: نشر حقوقدان.
- بصری بحرانی، زین‌الدین محمدامین (۱۴۰۴). *کلمه‌التقوی*. جلد ۵. قم: بی‌جا.
- بوعالم، بن جلال (۱۳۸۹). *الگوی عملیاتی عقد جعاله با تأکید بر بخش معدن*. ترجمه مهدی صادقی و دیگران. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۰). *حقوق تعهدات و قراردادهای با مطالعه تطبیقی در فقه مذاهب اسلامی و نظام‌های حقوقی*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- حائری، سید علی بن محمد طباطبائی (۱۴۱۸). *ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل*. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. جلد ۹. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حکیم، سید محسن (۱۴۱۶). *مستمسک العروه الوثقی*. جلد ۹. قم: مؤسسه دارالتفسیر.
- حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. جلد ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حلی، ابن فهد (۱۴۰۷). *المهذب البارع فی شرح مختصر النافع*. جلد ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۲۰). *تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الإمامیه*. جلد ۱. قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
- _____ (۱۴۲۰). *تحریر الأحکام الشرعیه علی مذهب الإمامیه*. جلد ۴. قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
- مداقه در قرارداد بهره‌برداری از معدن و با ملاحظه اصول و مبانی حقوقی، نتایج زیر به دست می‌آید:
- ۱- با مقایسه قرارداد بهره‌برداری از معدن با عقود مشابه، دیدیم که انطباق این قرارداد با هر یک از عقود معین با ایراداتی روبروست. بدین دلیل که عقود به‌ظاهر مشابه، دارای خصایصی کاملاً متفاوت از این قرارداد هستند. قانون‌گذار اگرچه از واگذاری بهره‌برداری معادن با عنوان حق انتفاع تعبیر کرده است؛ اما بر آن اشکالات جدی وارد است؛ بنابراین با رد هرگونه قالب عقود معین و نظر به این که شرایط و آثار این قرارداد در قانون معادن و آیین‌نامه‌های اجرائی آن ذکر بیان شده است، می‌بایست ماهیتی مستقل برای آن قائل شد.
- ۲- در بررسی لزوم و جواز قرارداد بهره‌برداری معدن، باید گفت که این قرارداد، قراردادی لازم است و از این جهت، طرفین به‌ویژه دولت نمی‌تواند به‌صورت یک‌جانبه و بدون دلایل قانونی آن را فسخ کند. این امر با توجه به حجم سنگین سرمایه‌گذاری در این قرارداد نقش بسزایی دارد چرا که فسخ یک طرفه قرارداد منشأ ایجاد دعاوی سنگین خواهد بود.
- ۳- با ملاحظه مالکیت عمومی معادن و نقش و دخالت ویژه دولت در انعقاد قرارداد بهره‌برداری از معدن، می‌توان این قرارداد را در زمره قراردادهای اداری و قراردادهای الحاقی دانست.
- ۴- لزوم برگزاری مزایده، قرارداد بهره‌برداری از معدن را در گروه عقود تشریفاتی قرار می‌دهد.
- ۵- به دلیل آمرانه بودن تشریفات شکلی و ضرورت حفظ منافع عمومی، ضمانت اجرای عدم رعایت شرایط شکلی قرارداد بهره‌برداری از معدن، «بطالان» قرارداد است.
- ۶- حق بهره‌برداری حاصل از قرارداد بهره‌برداری از معدن با موافقت وزارت صنعت و معدن قابل انتقال به شخص ثالث است. بهره‌بردار با انتقال پروانه، موقعیت قراردادی خود را که مجموعه‌ای از حقوق و تعهدات است به منتقل‌الیه منتقل می‌کند و خود او از این رابطه قراردادی حذف می‌شود.

منابع

- آبی، فاضل (۱۴۱۷). *کشف الرموز فی شرح مختصر النافع*. جلد ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- آل‌عصفور بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵). *الحدائق الناضره*. جلد ۱۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه

- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الإمامیه*. جلد ۳. تهران: المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه.
- _____ (۱۴۰۰). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. بیروت: دارالکتاب العربی.
- عاملی، بهاء‌الدین (شیخ بهائی). (۱۴۲۹). *جامع عباسی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۲). *البیان*. قم: نشر محقق.
- _____ (۱۴۱۷). *الدروس الشرعیه فی فقه الإمامیه*. جلد ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۴۱۰). *اللمعه دمشقیه فی فقه الإمامیه*. بیروت: دارالتراث.
- عاملی، (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰). *الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه (المحشی - کلانتر)*. جلد ۷. بی‌جا: انتشارات داوری.
- عاملی کرکی (محقق ثانی). علی بن حسین (۱۴۱۴). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. جلد ۷. قم: مؤسسه آل‌البتیة علیهم السلام.
- فیض کاشانی، محمدحسن (۱۴۲۶). *مفاتیح الشرائع*. جلد ۳. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- قافی، حسین (۱۳۸۳). «ماهیت و میزان اعتبار قرارداد الحاقی». فصلنامه فقه و حقوق. شماره دوم. صص ۸۸-۶۱.
- قانون رقم ۶۶ لسنة ۱۹۵۳ خاص بالمناجم و المحاجر. جمهوری مصر العربیه. الوقائع المصریه. العدد ۱۶ مکرر فی ۱۹ فبرایر. سنه ۱۹۵۳.
- قانون رقم ۸۶ لسنة ۱۹۵۶ خاص بالمناجم و المحاجر. جمهوری مصر العربیه. الوقائع المصریه. العدد ۲۲ مکرر (أ) فی ۱۵ مارس ۱۹۵۶.
- قانون الثروه المعدنیه رقم ۱۹۸ لسنة ۲۰۱۴ جمهوری مصر العربیه. الجریده الرسمیه. العدد ۴۹ مکرر (أ). فی ۹ دسامبر. سنه ۲۰۱۴.
- قمی، سید صادق حسینی روحانی (۱۴۱۲). *فقه الصادق علیه السلام*. جلد ۷. قم: دارالکتاب - مدرسه امام صادق علیه السلام.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). *اعمال حقوقی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- _____ (۱۳۸۷). *اموال و مالکیت*. تهران: نشر میزان.
- _____ (۱۳۸۳). *قواعد عمومی قراردادها*. جلد ۳. _____ (۱۳۸۸). *تذکره الفقهاء (الطبعه القدیمه)*. قم: مؤسسه آل‌البتیة علیهم السلام.
- _____ (۱۴۱۳). *قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام*. جلد ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۴۱۳). *مختلف الشیعہ فی احکام الشریعہ*. جلد ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۴۱۲). *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*. جلد ۸. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه.
- حلی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۷). *المعتبر فی شرح المختصر*. جلد ۲. قم: مؤسسه سید الشهداء.
- _____ (۱۴۰۸). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. جلد ۱. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- _____ (۱۴۱۸). *المختصر النافع فی فقه الإمامیه*. جلد ۱. قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة.
- حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵). *الجامع للشرائع*. قم: مؤسسه سید الشهداء العلمیه.
- خمینی، موسوی، سید روح‌الله (بی‌تا). *تحریر الوسیله*. جلد ۱. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- _____ (۱۳۸۵). *صحیفه امام خمینی*. جلد ۲۰. تهران: مؤسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی.
- خوانساری، احمد (۱۴۰۵). *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*. جلد ۲. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- خوئی، ابوالقاسم (بی‌تا). *المستند فی شرح العروه الوثقی*. بی‌جا.
- سیزواری، محقق، محمدباقر (۱۴۲۳). *کفایه الاحکام*. جلد ۱. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- شهسوار، ساعد: میرشکاری، عباس (۱۳۸۹). *قانون معادن در نظم حقوقی کنونی*. تهران: نشر رهپویان خرد.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۷۸). «نقش قراردادهای استاندارد (نمونه) در حقوق تجارت بین‌الملل و مقایسه آن با قراردادهای الحاقی در حقوق داخلی». *مجله مجتمع آموزش عالی قم*. شماره دوم. صص ۷۶-۶۱.
- صدر، محمد باقر (۱۴۱۷). *اقتصادنا*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- _____ (۱۴۰۳). *الإسلام یقود الحیاة*. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۰). *حقوق اداری*. تهران: انتشارات سمت.
- طرابلسی، ابن براج (قاضی عبدالعزیز) (۱۴۰۶). *المهذب*. جلد ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

الأنفال. قم: انتشارات مدرسه الامام علی.
 منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹). *دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الإسلامیه*. جلد ۳. قم: نشر تفکر.
 ——— (۱۴۰۹). *دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الإسلامیه*. جلد ۴. قم: نشر تفکر.
 ——— (بی تا). *کتاب الخمس والأنفال*. قم: بی جا.
 نایبی، ناصر؛ میرشکاری، عباس (۱۳۸۸). «بررسی حقوقی سند تفویض وکالت و آثار آن». *ماهنامه کانون*. شماره ۱۰۰. صص ۳۴-۲۰.
 نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. جلد ۳۸. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
 نجفی، جعفر (۱۴۲۲). *کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء*. جلد ۴. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
 نراقی، احمد (۱۴۱۵). *مستند الشیعه فی احکام الشریعه*. جلد ۱۰. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

Davies (2011). investor's guide to mining in Canada, Canada: Davies limited liability partnership (LLP).
 Environmental Defender's Office of Western Australia (Inc.), mining law - fact sheet 36, 2011.
 H. Chambers, Robin (2005). An Overview of the Australian Legal Framework for Mining Projects in Australia.
<http://definitions.uslegal.com/m/mineral-lease> (آخرین مشاهده: ۹۴/۶/۵)
<http://encyclopedia2.thefreedictionary.com/mining+lease>

چاپ چهارم. شرکت سهامی انتشار.
 ——— (۱۳۷۸). «طبیعت قراردادهای الحاقی». *مجله مجتمع آموزش عالی قم*. شماره اول. صص ۲۶-۱۷.
 کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *اصول من الکافی*. جلد ۱. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
 کنعانی، محمد طاهر (۱۳۸۹). «حق بهره‌برداری از معادن». *فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. دوره ۴۰. شماره سوم. صص ۲۹۶-۲۷۷.
 مظفر، محمود بن حسن (۱۳۹۲). *إحياء الأراضی الموات*. قاهره: المطبعه العالمیه.
 مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳). *المقنعه*. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
 مقدم، عیسی (۱۳۸۶). «انتقال قرارداد». *فصلنامه حقوق*. دوره ۳۷. شماره ۴. صص ۲۴۲-۲۲۹.
 مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۶). *انوار الفقاهه کتاب الخمس و*

(آخرین مشاهده: ۹۴/۶/۵) [com /mining+lease](http://www.merriam-webster.com/dictionary/mining+lease)
<http://www.merriam-webster.com/dictionary/mining+lease> (آخرین مشاهده: ۹۴/۶/۵)
 Richer, Erik (2013). the Mining Law Review, Second Edition, Published in the United Kingdom- London: Law Business Research Ltd, ashurst (Australia's global law firm), mining in Australia, an introduction for investors, melbourn: ashurst.

